

استعاره و شناخت

تألیف

دکتر حبیب‌الله قاسم‌زاده

بیمارستان روزبه

گروه روان‌پزشکی

دانشگاه علوم پزشکی تهران





کتاب ارجمند

دکتر حبیب‌الله قاسم‌زاده استعاره و شناخت

فروست ۶۲۵

ناشر: انتشارات کتاب ارجمند

طراح جلد: احسان ارجمند

چاپ: تهران، صحافی: روشنگر

چاپ اول، مهر ۱۳۹۲، ۱۱۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۰۰-۲۵۹-۴

www.arjmanpub.com

این اثر، مشمول قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است. هر کس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه مؤلف، نشر یا جعل یا عرضه کند مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

سرشناسه: قاسم‌زاده، حبیب‌الله، ۱۳۲۳
عنوان و نام‌پدیدآور: استعاره و شناخت / حبیب‌الله قاسم‌زاده.

مشخصات نشر: تهران، کتاب ارجمند، ۱۳۹۱

مشخصات ظاهری: ۲۰۸ ص. رقمی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۰۰-۲۵۹-۴

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع: استعاره - جنبه‌های روان‌شناسی

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۱ ق ۵۵/الف PN۲۲۸

رده‌بندی دیویی: ۸۰۸/۰۰۱۹

شماره کتابشناسی ملی: ۳۰۸۱۷۲۰

مرکز پیش‌انتشارات ارجمند

- دفتر مرکزی: تهران بلوار کشاورز، بین خ کارگر و ۱۶ آذر، پلاک ۲۹۲، تلفن ۸۸۹۷۷۰۰۲
- شعبه مشهد: ابتدای احمدآباد، پاساژ امیر، انتشارات مجد دانش، تلفن ۰۵۱۱-۸۴۴۱۰۱۶
- شعبه اصفهان: خیابان چهارباغ بالا، پاساژ هزارحریب، تلفن ۰۳۱۱-۶۲۸۱۵۷۴
- شعبه رشت: خ نامجو، روبروی ورزشگاه عضدی، تلفن ۰۱۳۱-۳۲۳۲۸۷۶
- شعبه بابل: خ گنج افروز، پاساژ گنج افروز، تلفن ۰۱۱۱-۲۲۲۷۷۶۴
- شعبه ساری: بیمارستان امام، روبروی ریاست تلفن ۰۹۱۱۸۰۲۰۰۱
- شعبه کرمانشاه: خ مدرس، پشت پاساژ سعید، کتابفروشی دانشمند تلفن ۰۸۳۱-۷۲۸۴۸۳۸

بها: ۹۰۰۰ تومان

با ارسال پیامک به شماره ۰۵۹۹ ۰۵۹۹ ۱۰۰۰۰۰ در جریان تازه‌های نشر ما قرار بگیرید:

ارسال عدد ۱: دریافت تازه‌های نشر پزشکی به صورت پیامک

ارسال عدد ۲: دریافت تازه‌های نشر روان‌شناسی به صورت پیامک

ارسال ایمیل: دریافت خبرنامه الکترونیکی انتشارات ارجمند به صورت ایمیل

فهرست مطالب

پیشگفتار	نه
مقدمه	۱
تبیین روان‌شناختی استعاره	۷
تعریف استعاره	۹
شکل استعاره	۱۱
تشییه، تمثیل و استعاره ۱۶	
ویژگی‌های استعاره	۱۴
مدل‌های سولگولوف و الگویی ثابت ۱۷	
فرایندهایی که در درک استعاره نقش دارند	۲۴
فاهمی مربوط به استعاره ۲۷	
نقش حافظه	۲۸
اجزای مؤلفه‌های یک مفهوم ۳۰؛ حافظه‌های درازمدت و استعاره‌های	
مفهومی مربوط به اجزای آن ۳۷ نظریه‌های قابل بحث ۳۹	
چند مدل درباره‌ی درک استعاره	۴۰
بار عاطفی کلیات ۴۳	
رمزگردانی دوگانه	۴۵
تفسیر و اطلاعات افزوده‌ی ۵۰ ذهن شراشویسکی ۵۷ نیکوگردهی	
واحد و پردازشی قضایی-تصویری ۵۲	
مدل‌های مبتنی بر ساختار روان‌شناختی کلمه	۵۵
زبان مجازی ۵۷	

۶۰	ساختار روان‌شناختی کلمه
۶۴	پژوهش‌های ۹۶ نگرش ویگوتسکی - لوریا
۷۱	میتا و مینسون ۹۷ مدل مطابقت ساختاری گنتنر
۸۳	امینیه، لطیف، پلیری، دو، تفکر خلاق ۹۷، نگاهی مجدد به تسبیل، تشییه و استعاره ۸۰
۹۳	جنبه‌های پژوهشی و فرضیه‌سازی در استعاره ه. زمان، کلیه، بسته، ۹۸، تحقیقی، دوره‌ای، زمان، پژوهشی ۹۱
۱۰۵	استعاره در کودکان نام اشیا ۹۳، تحقیقی، و متباد و اورفونی ۹۹
۱۰۷	نقش استعاره استعاره‌های شناختی در گفتار و زندگی روزمره
۱۱۶	استعاره‌های در پشه ۱۱۱، و تفرقه، و عشق، و آلوده ۱۱۳
۱۱۸	نقش استعاره در مدل‌های شناختی اندیشه‌ی میناتوری
۱۲۳	کلیه ۱۲۲ ذهن
۱۲۶	آگاهی
۱۲۷	استعاره‌ی آستانه
۱۲۷	استعاره‌ی نوک کوه شناور
۶۲۸	استعاره‌ی نوظهوری
۶۲۹	استعاره‌ی تلفیق
۸۳۱	استعاره‌ی کنترل اجرایی
۱۰۳۲	استعاره‌ی نورافکن
۱۰۳۳	استعاره‌ی تآثر
۱۳۴	حافظه تحقیقی، دوره‌ای، و آلودی ۱۳۷

۱۴۰	انگیزش
۱۴۵	تکامل استعاره‌های ذهنی در تاریخ روان‌شناسی
	پافتاوها و چند استعاره‌ی مهم دویله‌ی ذهن ۱۵۷
۱۵۷	مسئله‌ی رایانه
۱۶۵	استعاره و پژوهش
۱۷۲	نتیجه‌گیری
	تفاوت بود هر که دانا بود؛ یکتا ملل ذهنی ۱۷۴
۱۸۴	منابع
۱۹۳	فهرست نام‌ها

پیشگفتار

مسئله‌یی که از مدّت‌ها پیش برایم مطرح بوده است، چگونگی انتقال معنی و مضمون شناختی و عاطفی در شعر است. شاعر چگونه می‌تواند پیام خود را منتقل سازد؟ چرا نیاز به این همه تصویرآفرینی و قرینه‌سازی در خود احساس می‌کند؟ و چرا به زبان مجازی روی می‌آورد؟ آیا می‌توان نیم‌رخ از فضای شناختی ذهن شاعر ترسیم کرد؟ و ... آشنایی با افکار و آرای ویگوتسکی و لوریا و نیز مطالعه‌ی آثاری از هاینز ورنر، آزگود، آرنتی و میلر مرا متوجّه جنبه‌ی بسیار قوی زبان، یعنی جنبه‌ی عاطفی، هیجانی و انگیزشی آن کرد. در استعاره، این جنبه با جنبه‌های ساختاری، نشانه‌شناختی، منطقی و زبان‌شناختی درهم می‌آمیزد و الگوی موجز، سیال، و انتقال‌پذیری پدید می‌آورد که به آسانی از زمینه یا خاستگاه خود جدا می‌شود و به قلمروهای جدیدی دامن می‌گسترده. در واقع به یک اعتبار، می‌توان استعاره‌ها را بسط‌یافتگی در معنا (با طیف معانی) دانست که در طیّ تاریخ بشر، به‌عنوان ابزار پیام‌رسانی فرا بالیده‌اند و دستخوش تغییر و تحولاتی از لحاظ شکل و محتوا شده‌اند. ذهن شاعر، با استفاده از این ابزار در کنار ابزارها و مصالح دیگر، موفق می‌شود رویه‌ی جدیدی از جهان اطراف خود تصویر کند. در حقیقت، خواننده‌ی شعر، با رمزگشایی مضمون استعاره در این فرایند آفرینندگی مشارکت می‌جوید و سهم می‌شود. اما در واقع، این تنها شاعر نیست که استعاره می‌سازد؛ همه‌ی مردم استعاره‌پردازی می‌کنند و از آن برای رساندن پیام آشکار و ضمنی خود، کمک می‌گیرند. افراد عامی و دانشمندان، هریک به سبک و روال خود استعاره می‌سازند و یا از استعاره‌های موجود، در

سخن خود، بهره می‌جویند. کودکان نیز در سطحی از استعاره استفاده می‌کنند. بدین ترتیب، احساس کردم که استعاره در کل زندگی و فرهنگ جریان دارد و خود از مدلی برمی‌خیزد و مدل فرهنگی دیگری در ذهن شنونده ایجاد می‌کند، و سمت‌گیری ذهن‌ها را به هم نزدیک می‌سازد. استعاره نه تنها در زندگی روزمره‌ی مردم کاربرد دارد، بلکه کم‌تر دانشمند و صاحب‌نظری وجود دارد که در صورت‌بندی نظریه و فرضیه‌های پژوهشی خود از استعاره استفاده نکند. پس ناگزیر باید استعاره را به عنوان ابزار شناختی تلقی کرد که در هر ذهنی می‌تواند امکان عمل کردن داشته باشد. البته احتمالاً با سازوکارهای مختلف و متناسب با چارچوب علمی، صنعتی و فرهنگی هر جامعه، هر قشر و هر فردی از افراد جامعه.

خلاصه‌یی از نظرات مختلف درباره‌ی روان‌شناسی استعاره را نخستین بار در سمینار «زبان و مدل‌سازی شناختی» (مرکز تحقیقات فیزیک نظری و ریاضیات، ۲۹ آبان ماه ۱۳۷۴، با دبیری دکتر کامبیز بدیع) ارائه دادم. و بعد همان سال، صحبت مفصلی نیز درباره‌ی نقش استعاره در روان‌شناسی شناخت، در یازدهمین سمینار علم عصب‌پایه^۱ (بیمارستان شهدا، ۱۹ بهمن ماه ۱۳۷۴، به‌اهتمام دکتر عبدالرحمن نجل‌رحیم) به عمل آمد. با طرح مسئله‌ی استعاره و قرار گرفتن در جریان بحث و گفتگو با اساتید صاحب‌نظری چون دکتر محمد رضا باطنی، دکتر خسرو پارسا، دکتر حسن عشایری، دکتر رضا نبلی‌پور، دکتر عبدالرحمن نجل‌رحیم و دکتر کامبیز بدیع، بیش از پیش متوجه اهمیت و ضرورت موضوع استعاره شدم و جای این بحث را در روان‌شناسی شناخت و دانش شناخت‌پایه‌ی ایران، خالی احساس کردم. سعی کردم مسئله را در قالب مقاله‌یی منتشر کنم. اما این مقاله، به تدریج مفصل‌تر شد و به صورت مجموعه‌ی حاضر درآمد. باید اذعان کنم که هنوز ساختار مقاله‌یی خود را تا حدی حفظ کرده است.

مسئله‌یی که در ادامه‌ی راه خود را به روشنی نشان داد وسعت و پیچیدگی بیش

از حد استعاره بود که سازمان‌بندی مطالب را در چارچوب یک کتاب معمولی و کم‌حجم دشوار می‌ساخت. به این دلیل، مطالبی را به‌طور جداگانه و در قالب «بحث‌های پیرامونی» آوردم — مطالبی که برخی از پژوهش‌ها، نگرش‌ها و نکات ویژه و احياناً مسائلی ناپروهيده اما قابل تأمل را برجسته می‌کنند و پرسش‌هایی برای تحریک فراهم می‌آورند. سعی شده است که هر کدام از این بحث‌ها، در عین حال که ارتباطی نزدیک با متن اصلی کتاب دارد، استقلال نسبی خود را نیز حفظ کند.^۱

نکته‌ی دیگری که باید یادآور شوم، این است که از زمان تحویل کتاب برای حروفچینی تاکنون، مطالب جدیدی در این باره به دستم رسیده است. روان‌شناسی استعاره، امروزه از مباحث مهم و بالنده در روان‌شناسی شناخت و تفکر به شمار می‌رود و به‌ویژه در کتاب‌های مربوط به خلاقیت، به نقش استعاره بیشتری از پیش اهمیت داده می‌شود. متأسفانه امکان افزودن مطالب جدید و یا تغییر و تجدید در سازمان‌بندی کتاب در حال حاضر وجود نداشت. امیدوارم بتوانم در ویرایش‌های بعدی، با کمک اهل فن، این کمبود را تا حد امکان، برطرف کنم.

آنچه در این کتاب آمده است آمیزه‌ی است از یافته‌های نظری و تجربی دانشوران و پژوهشگران و کوششی که نگارنده در جهت تبیین روان‌شناختی استعاره در چارچوب برخی از مدل‌ها به عمل آورده است. استعاره را می‌توان مؤلفه‌ی دانست متشکل از جنبه‌ها، لایه‌ها و حوزه‌های مختلف مسلماً پرداختن به همه‌ی این ابعاد، حتی در چارچوب رشته‌ی واحد — مانند روان‌شناسی شناخت — کاری بسیار دشوار است. بسیاری از زمینه‌ها و حوزه‌های استعاره ناگشوده و ناگفته باقی مانده است. مباحثی مانند نقش استعاره در شعر و ادبیات، ارتباط استعاره با طنز، تصویر و کلام، نقش استعاره در تفکر خلاق، جایگاه استعاره در آموزش و پرورش، هنر و زیبایی‌شناسی، نوروسیکولوژی استعاره و

۱- این «بحث‌های پیرامونی» در متن کتاب بر زمینه‌ی خاکستری، و عنوان‌شان در فهرست مطالب با حروف توجّه‌ای آمده است.

چگونگی پردازش استعاره در مغز، ارتباط استعاره و منطق، کاربرد استعاره در روان‌درمانی و شناخت‌درمانی (استعاره‌درمانی)، نیاز به بررسی و مطالعه‌ی منظم دارند. همان‌گونه که بررسی نقش استعاره در عرصه‌های مختلف زندگی از جمله کارهای اساسی است، بررسی تأثیر دانش، فن و فرهنگ در شکل‌گیری استعاره‌ها نیز از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. یکی از مسائل جالب، بررسی تحول استعاره‌ها و اصولاً چگونگی پیدایش، تکامل و بالاخره فروپاشی در ساختار و کارکرد آن‌هاست.

هدف اصلی نگارنده کمک به ایجاد زمینه‌یی برای پژوهش و گردآوری اطلاعات، امکان مدل‌سازی و فرمول‌بندی فرضیه‌های مناسب برای تحقیق است. به‌امید آن که مطالعه‌ی استعاره بتواند ضرورت اتخاذ رویکردی میان‌رشته‌یی را، که امروزه اهمیتی انکارناپذیر دارد، برجسته سازد.

* * *

در پایان از استاد محترم جناب آقای دکتر اصلان ضرابی که متن اولیه‌ی کتاب را با حوصله و دقت مطالعه کردند و نکات ارزنده‌یی را یادآور شدند، چند منبع مهم را معرفی کردند، و نیز با حسن نظر خود ضرورت طرح مسئله را تأکید کردند، کمال تشکر را دارم. از دوست ارجمند جناب آقای مهندس احمد منصوری که کمک مؤثری در تلفظ اسامی و یافتن برخی از معادل‌ها کردند و از سرکار خانم سیما توپسرکانی که کار پرزحمت ویرایش فنی و زبانی را بر عهده داشتند سپاسگزارم. با وجود این همه برخورداری‌ها، این کار خالی از عیب و نقص نیست. مخصوصاً در این باره، که باید آن را گامی مقدماتی در راهی ناپیموده دانست، امکان خطا فراوان است و مسئولیت هر نوع اشکال و نارسایی با نگارنده است و نگارنده نیز آماده‌ی دریافت نظرات و پیشنهادها و ارائه‌ی کاری بهتر در ویرایش‌های بعدی.

ح.ق.

پاییز ۱۳۷۸

مقدمه

بخش مهمی از ارتباط کلامی ما را استعاره^۱ (متافور) تشکیل می‌دهد. استعاره‌ها به قدری طبیعی و خودانگیخته وارد زندگی ما می‌شوند که ممکن است در عمل، توجهی را به خود جلب نکنند و مانند بسیاری از پدیده‌ها و فرایندهای زیستی-روانی و ارتباطی دیگر، ساده و بی‌نیاز از توصیف و تبیین جلوه کنند. اما کافی است حتی ساده‌ترین استعاره‌ها را اندکی بررسی و مطالعه کنیم، تا متوجه پیچیدگی و شاید اهمیت و ضرورت آن‌ها شویم. خوشبختانه، از زمان‌های قدیم، در ادبیات سعی شده که استعاره‌ها مورد تعریف و طبقه‌بندی قرار گیرند و به عنوان موضوعی ادبی در شعر و خطابه و بلاغت جایگاهی به خود اختصاص دهند. اگرچه در این بحث‌ها کم‌تر به جنبه‌های زبان‌شناختی، روان‌شناختی و معرفت‌شناختی اشاره شده است، اما به هر حال، از زمینه‌ها و مفاهیمی سخن به میان آمده است که ممکن است امروزه در تبیین سازوکار استعاره مؤثر واقع شوند.

ارسطو^۱ (۳۲۲ تا ۳۸۴ ق.م.) نخستین کسی است که از استعاره سخن گفته است. او استعاره را عبارت می‌داند از «کاربرد نامی غریب و نامأنوس در مورد چیزی [که به آن نام شناخته نیست]. این انتقال [انتقال نام از چیزی به چیز دیگر] یا از نوع است به جنس، یا از جنس است به نوع، یا از نوع است به نوع، و یا از طریق قیاس — معنی تناسب — صورت می‌گیرد» (بیلو، ۱۹۷۷، ص ۸۱). اغلب گفته می‌شود که ارسطو استعاره را زینت کلام می‌دانست و نه جنبه‌ی ذاتی و ضروری آن؛ یعنی بیشتر به عنوان جانشین سبک شناختی^۲ به آن نگاه می‌کرد. در فن خطابه^۳ می‌گوید: «آنچه در بیشتر عبارات‌های بلاغی انگیزه‌ی مسرت است، منشأ آن استعاره است و مقداری ابهام و پیچیدگی، که مخاطب بعداً آن را درمی‌یابد.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۸، ص ۱۱۴). در عین حال از ارسطو نقل می‌شود که «کلمات معمولی فقط آنچه را که ما از قبل می‌دانیم منتقل می‌سازند، اما از طریق استعاره به چیز جدیدی می‌رسیم» (کوزاک، ۱۹۹۲، ص ۱۳۹). در این صورت، نمی‌توان با قطعیت اظهار کرد که ارسطو متوجه وجه غیرجانشینی استعاره نبوده است. اما تا حدی معلوم می‌شود که از این دیدگاه، زبان لفظی^۴ (حقیقی) و زبان مجازی^۵ دو کیفیت جداگانه به حساب می‌آیند. این نگرش، امروزه در نظریه‌های تطبیقی یا مقایسه‌یی^۶ وارد شده است. ارسطو نه تنها استعاره را در فن شعر^۷ و فن خطابه (سخنوری) مطرح کرده، بلکه در فن جدل^۸ (توپیکا، استدلال دیالکتیک) نیز خاطر نشان ساخته است که باید بین تعاریف حقیقی و استعاره‌ها ترق قائل شد و مواظب ابهام و تیرگی مستتر در آن‌ها بود.

منظور ارسطو از «نام غریب و نامأنوس» در تعریف استعاره، کلمه‌ی بی است که به‌طور معمول دلالت بر چیزی دارد، ولی برای توصیف یا توضیح کلمه‌ی دیگری از لحاظ لغوی بر آن چیز دلالت نمی‌کند استفاده می‌شود. منظور از «چیز»، ممکن

1. Aristotle 2. stylistic 3. Rhetoric 4. literal language
5. figurative language 6. comparative theories 7. Poetics 8. Topica

است هر شیء فیزیکی یا انگاره‌ی انتزاعی و احساسی باشد. وقتی چنین انتقالی در کلمه صورت گرفت، جمله به‌طور همزمان دو کار انجام می‌دهد: کلمه یا عبارت جانشین شده، معانی قراردادی خود را منتقل می‌سازد، و در همان حال به چیزی دلالت می‌کند که به‌طور قراردادی، از آن کلمات و عبارت‌ها بر نمی‌آید. این دو جنبه‌ی جمله یا عبارت را معنای لفظی^۱ و معنای مجازی^۲ می‌نامیم (بیلو، ۱۹۷۷، ص ۸۱ تا ۸۲).

اورتونی^۳، رینولدز^۴ و آرتر^۵ (۱۹۷۸) دیدگاه ارسطو را درباره‌ی استعاره در دو نکته خلاصه می‌کنند: نخست این که استعاره از نظر او بر پایه‌ی اصول تشبیه^۶ استوار است و در درجه‌ی اول به مقایسه‌ی شباهت‌های بین دو یا چند شیء می‌پردازد. دوم این که نقش استعاره، بیش از آنچه القای معنا باشد، القای سبک بیان و توجه به جنبه‌های زیبایی‌شناختی است (ص ۹۲۱).

پس از ارسطو، عبدالقاهر جرجانی (متوفی ۴۷۱ هـ.ق.) در کتاب اسرارالبلاغه استعاره را براساس وجه شبه بررسی و طبقه‌بندی کرده است. او می‌گوید: «در استعاره، نام و عنوان اصلی از شیء جدا می‌شود و همان عمل می‌شود که گویی اسمی ندارد و نام دیگری به خود می‌پذیرد و تشبیه که قصد اصلی ما بوده، در دل نهان می‌ماند ... فضیلت استعاره در این است که در هر لحظه می‌تواند بیان را صورت تازه‌یی ببخشد و از یک واژه، در نتیجه چندین فایده حاصل شود ... و از خصوصیات دیگر آن، یکی این است که معنای بسیار را در افظ اندک نشان می‌دهد و از یک صدف، چندین مروارید بیرون می‌آورد ...» (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۸، ص ۱۰۹ تا ۱۱۲).

نگرش جرجانی، آن‌گونه که ابودیب (۱۳۷۰) در مقاله‌ی خود آن را ارائه کرده است، نشان می‌دهد که او علاوه بر جنبه‌های ادبی استعاره، جنبه‌های

1. literal meaning 2. figurative meaning 3. Ortony, A.
4. Reynolds, R.E. 5. Arter, J.A. 6. simile

روان‌شناختی، به‌خصوص تولید و درک آن را مدّ نظر قرار داده و تلاش ذهنی آفریننده و شنونده‌ی استعاره را در کشف شباهت مهم تلقّی کرده است. اصولی که او در این باره برشمرده است، امروزه نیز می‌توانند راهگشا و الهام‌بخش باشند.

در بحث‌های دستور زبان، استعاره در بخش اقسام اضافه می‌آید و «اضافه‌ی تشبیه‌ی» از «اضافه‌ی استعاری» جدا می‌شود. در اضافه‌ی تشبیه‌ی، چیزی به چیز دیگر تشبیه می‌شود، مانند «قدِ سرو»، «روی ماه» و «لبِ لعل». اضافه‌ی استعاری آن است که مصاف در غیر معنای خود استعمال شود، مانند «روی سخن»، «گوشِ هوش»، «سبِ روزگار» و «چنگالِ مرگ» (در دو کتاب دستور زبان فارسی، تألیف پنج استاد و دستور جامع زبان فارسی، تألیف همایون فرّخ توضیح لازم در این باره داده شده است). همایی (۱۶۳) نیز در کتاب فنون بلاغت و صناعات ادبی بحث نسبتاً مفصّلی را به تشبیه و استعاره اختصاص داده است. او می‌گوید: «تشبیه آن است که چیزی را به چیزی، در صفتی، مانند کنند» (ص ۲۲۷). در جمله‌ی «چهره‌ی محبوب مانند آفتاب می‌درخشد»، «چهره‌ی محبوب» را مشبّه، «مانند» را ادات تشبیه، «آفتاب» را مشبّه‌به و «می‌درخشد» را وجه شبه می‌نامند. همایی می‌افزاید «اگر یکی از دو طرف تشبیه را ذکر و طرف دیگر را اراده کرده باشند، استعاره پدید می‌آید. در آن صورت، لفظ را مستعار و معنی و مراد یا مشبّه را مستعارله و مشبّه‌به را مستعارمنه و وجه شبه را جامع می‌گویند» (ص ۲۵۰)، مانند «مرگ، چنگال خود را به او آویخت».

اگر از این نوع کندوکاوهای ادبی که به‌نوبه‌ی خود کاری بسیار ارزشمند به حساب می‌آیند بگذریم، به‌جز ترجمه‌ی مقاله‌ی ابودیب (۳۷۰) به سیله‌ی علی‌محمد حق‌شناس، که از جنبه‌های روان‌شناختی قدرت‌مندی برخوردار است، به‌ظاهر سخنی درباره‌ی روان‌شناسی استعاره — مخصوصاً در چارچوب رویکردهای جدید — در ایران رانده نشده است. هدف نگارنده این است که در این کوشش مقدماتی و آزمایشی، در صورت امکان زمینه‌ی برای بحث فراهم آورد.

شاید با طرح این نوع مسائل بتوانیم پلی بین روان‌شناسی و زبان‌شناسی از یک سوی، و فرهنگ و شناخت از سوی دیگر، ایجاد کنیم.

* * *

امروزه، استعاره فقط موضوع بررسی ادبی، منطقی یا فلسفی نیست، بلکه بسیاری از رشته‌های علمی به بررسی آن پرداخته و درباره‌ی کاربرد و نقش آن چارچوب‌هایی ارائه داده‌اند. مثلاً در زبان‌شناسی، اینک توجه به کنش زبانی و جنبه‌های کاربردشناختی^۱ زبانی (در مقابل جنبه‌های توانش^۲ زبانی که زمانی مشخصه‌ی «انقلاب» چامسکی^۳ شمرده می‌شد) بیشتر شده است. خوانش و تحلیل متن و گفتار، ارتباط یافت با کلمه و معنای مجازی، بیش از پیش مورد توجه زبان‌شناسان قرار گرفته است. همچنین در رشته‌هایی مانند جامعه‌شناسی، تعلیم و تربیت، و زیبایی‌شناسی، استعاره جایگاهی به خود اختصاص داده است. امروزه مجله‌هایی نیز، به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم، استعاره را موضوع خود قرار داده‌اند و حدس زده می‌شود که تا سال ۱۹۹۲ حداقل ۲۰۰۰ مقاله و کتاب در این باره منتشر شده باشد. در اکثر نوشته‌ها تلاش بر این است که رویکردی چندرشته‌یی^۴ در مطالعه‌ی استعاره انتخاب شود (اورتوی، ۱۹۷۱a، ص ۴).

اما آنچه در این میان نقش بسیار مهمی دارد، روان‌شناسی به‌ویژه روان‌شناسی شناختی^۵ است. بسیاری از روان‌شناسان شناختی، در صدد بررسی چگونگی شکل‌گیری استعاره و فرایندهای مؤثر در ادراک آن برآمده‌اند. بیشترین تحقیقات در این باره، متوجه اثربخشی و نقش‌آفرینی استعاره در ذهن شنونده است.

قسمت نخست این نوشته را می‌توان مقدمه‌یی بر تبیین روان‌شناختی استعاره دانست. چارچوبی که بدین منظور برگزیده شده است شناختی و با رویکرد

1. pragmatic 2. competence 3. Chomsky, N. 4. multidisciplinary
5. cognitive psychology

پردازش اطلاعات است و بیشتر تأکید بر درک استعاره خواهد بود تا تولید استعاره — چرا که یافته‌ها در این مورد اطلاعات قابل توجهی فراهم آورده‌اند. در بررسی نقش استعاره، که قسمت دوم این نوشته را تشکیل می‌دهد، به‌طور عمده دو زمینه در نظر خواهد بود: زندگی روزمره و مدل‌های علمی در روان‌شناسی شناختی.